

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org

الگوی زندگی و شوهرداری

عبدالکریم بی آزار شیرازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی زندگی و شوهرداری

نویسنده:

عبد الکریم بی آزار شیرازی

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	الگوی زندگی و شوهرداری
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	خدیجه، همسر نیکوکار پیامبر
۷	اشاره
۸	پرستاری پاره‌ی پیامبر از پیامبر در جبهه
۸	فاطمه و صفورا، نمونه‌ی حیا و حسن انتخاب همسر
۸	فاطمه، نمونه صالحات
۱۰	مریم و فاطمه، نمونه‌ی تقوا و حافظات للعیب
۱۰	فاطمه، نمونه‌ی صائیات
۱۰	فاطمه، نمونه‌ی متصدقات
۱۱	فاطمه، نمونه‌ی صابرات
۱۱	فاطمه، نمونه‌ی ذاکرات
۱۱	نزول سوره‌ی هل اتی در شأن فاطمه و علی
۱۲	پاورقی

الگوی زندگی و شوهرداری

مشخصات کتاب

سرشناسه: بی آزار شیرازی عبدالکریم - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور: الگوی زندگی و شوهرداری عبدالکریم بی آزار شیرازی
 مشخصات نشر: تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۵. مشخصات ظاهری: ۳۵ ص مصور (بخشی رنگی فروست: (پاره پیامبر(ص
 ۲) شابک: ۱۵۰۰ریال؛ ۱۵۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع:
 فاطمه زهرا(س)، ۱۳ قبل از هجرت - ق ۱۱ شناسه افزوده: دفتر نشر فرهنگ اسلامی رده بندی کنگره: BP۲۷/۲ پ ۲، ۲. ش رده
 بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۷۵-۸۲۱۷

مقدمه

نیاز جامعه‌ی کنونی به الگوی زندگی جامعه‌ی کنونی آنچنان در زندگی ماشینی و مصرفی غرق شده است که از درک این حقیقت بی‌خبر مانده که اساس زندگی، ماشین و مصرف نیست بلکه مناسبات انسانی و همکاری و محبت‌ورزی زن و شوهر و پدر و مادر و فرزند است و همه‌ی زندگی بر محور مودت و محبت زن و مرد و فرزند دور می‌زند. در زندگانی فاطمه‌ی زهرا (س) می‌بینیم که آنقدر همبستگی و عشق و علاقه‌ی خانوادگی با شوهر و فرزند و پدر و مادر برقرار است که چون پدر رحلت می‌کند، از گریه‌ی او مردم مدینه سخت متأثر می‌شوند و به او پیغام می‌دهند که یا شب گریه کند یا روز، و در دیدار با زنان مدینه اظهار می‌دارد «اصبحت واللّه [صفحه ۴۰] عاتقه عن دنیاکم» (من در حالی صبح کردم که از دنیای شما بیزارم) و برای مرگ و دیدار پدر لحظه‌شماری می‌کند. آری، فاطمه‌ی زهرا (س) به آدمهای ماشینی و مصرفی که علاقه به پدر و مادر و همسر و فرزند را فدای رسیدن به صنعت و سیاست و پول کرده‌اند و فرزندان را به پانسیون و پدر و مادر را به خانه‌ی سالمندان و همسران را به خارج از خانه و خانواده تبعید می‌کنند، می‌آموزد که این دنیای پر سر و صدای ماشینی در برابر جریان عظیم عشق و زندگی و مرگ که اساسی‌ترین جریان حیات بشری است، امری گذران و سطحی است و خانواده بزرگتر از حکومت و دولت، و فداکاری عمیق‌تر از جنگ اقتصادی به دل می‌نشیند و خوشبختی در دارایی و مقام و قدرت و زندگی لوکس و ماشینی و مصرفی نیست. خانواده پرستاری از فرزند بنایی استوار است و پیامبر اکرم (ص) می‌فرمودند: ما مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ يَتِّعُمَرُ فِي الْأَسْلَامِ بِالنِّكَاحِ [۳۹]. هیچ بنیاد اسلامی نزد خداوند عزّ و جلّ پسندیده‌تر از بنای ازدواج و خانواده نیست. ویل دورانت می‌گوید: «اصل خانواده در ناتوانی بی‌اندازه‌ی کودک و استعداد روزافزون او، پس از تولد، برای رشد و تربیت است». خداوند طبیعت خانواده را طوری قرار داده است که «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» [۴۰] (زنان لباس شمایند و شما لباس زنانید). یعنی خداوند مردان را در خدمت زنان و زنان را در خدمت مردان و کودکان در آورده است و در این خدمتگزاری، سترّ پایدارترین و عمیق‌ترین هسته‌ی رضایت زن و مرد نهفته است. بنابراین، پیوند ازدواج برای قانونی ساختن رابطه‌ی عشقی و شهوانی زن و [صفحه ۴۱] مرد نیست بلکه پیوندی است میان پدر و مادر و فرزند و برای حفظ و بقای نسل. فاطمه‌ی زهرا (س) با اینکه عمرش کوتاه بود اما زندگی خانوادگی از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بود و خداوند او را مادر نسلی کثیر و بابرکت قرار داد. معیار انتخاب همسر برای فاطمه‌ی زهرا (س) مال و منال نبود بلکه آن همه خواستگاران ثروتمند را رد کرد و علی (ع) را برای همسری پذیرفت که به جای مال، علم و شجاعت داشت. متأسفانه جامعه‌ی کنونی مال و ثروت را اساس زندگی می‌داند و در بسیاری از ممالک پدر و مادر دختر خود را به کسی می‌دهند که استعداد میلیارد شدن داشته باشد. با این حال، بسیاری از غریها پس از چشیدن طعم تلخ زندگی مادی، در حال بازگشت و در جستجوی الگوی نیکویی هستند که زندگی واقعی را با آنان بازگرداند، زیرا زن به طور فطری

خواهان زندگی بر پایه‌ی عشق معنوی و صفای باطنی است نه امیال و شهوات جسمانی. بسیاری از جوانان در غرب با این فطرت پاک به اسلام می‌گرایند، زیرا تمدن مادی و ماشینی همه‌ی وسایل رفاه را برایشان فراهم ساخته اما زندگی زناشویی و ارتباط خانوادگی را از آنان گرفته است. به قول ویل دورانت: «ایمنی اجتماعی افزایش یافته ولی ایمنی فردی کمتر شده، زندگی جسمانی سالم‌تر ولی زندگی اقتصادی در زحمت، جوانان دلیرتر و از خود راضی‌تر ولی از نظر مادی بسیار بیچاره و از نظر اقتصادی جاهل، و به جهت تهی بودن کیسه جرأت ازدواج پیدا نمی‌کنند و آن را به تأخیر می‌اندازند. دختر شهری که از انتظار زیاد خسته شده است، سرانجام مردی را پیدا می‌کند که دستش را برای ازدواج به سویش دراز می‌کند. آنها ازدواج می‌کنند اما به صورت نوعی قرارداد تجارتي که با سر رسیدن مدت، هر دو از قید آن آزاد می‌شوند. منهای لذت عمیقی که مراسم باشکوه عقد ازدواج در خاطراتشان برای همیشه ماندگار می‌کند و پیوند معنوی میان آن دو برقرار می‌سازد، آنها با عشقی [صفحه ۴۲] آسان رهسپار خانه می‌شوند اما خانه‌ای وجود ندارد و حیاطی آراسته با گل و گیاه در انتظار آنان نیست. آنان خود را در اتاق بی‌روح آپارتمان زندانی می‌کنند؛ اتاق تنگی که حوصله ندارند با رنگ و سلیقه‌ی خود آن را بیارایند. آنچه هست سستی و ملامت و خاطرات تیره است. چیزی نمی‌گذرد که زن نومید می‌گردد، زیرا در آن خانه چیزی که آن چهار دیواری را تحمل‌پذیر کند نیست. به هر بهانه‌ای که هست آنجا را ترک می‌کند. مردم هم نومید می‌شود زیرا به هنگام بازگشت به آن خانه کسی در انتظارش نیست تا با لبخند در را به رویش باز کند و با آماده کردن خانه و تهیه‌ی غذای آراسته و سفره‌ی گسترده، خستگی را از تنش بدر آورد. در آن خانه صدای کودکی سکوت شب را به هم نمی‌زند و شادی کودکان روز را درخشان‌تر نمی‌گرداند. در این خانه از خودگذشتگی و محبت جای خود را به خودپرستی و خودبینی و بی‌اعتمادی داده است. این ازدواج و زندگی نیست بلکه نوعی همکاری جنسی است به جای همکاری پدری و مادری، و چون اساس و ریشه ندارد رو به زوال و فساد می‌گذارد. انس و الفت به تحقیر می‌انجامد و دیگر زن با همه‌ی فداکاری و گشاده‌دستی چیزی ندارد که بدهد. چون بچه ندارد برای ناساگاری هزار بهانه دارد. زن از آن مهر روزهای نخست که از میان رفته می‌نالد و دیگر در خانه به بدن و لباس و رفتار و گفتار خود، که وقتی مرد را به سوی او می‌کشاند و او را در نظر مرد درخشان‌تر جلوه می‌داد، توجهی نمی‌کند. و بدین ترتیب طلاق سر می‌رسد. متأسفانه در غرب و کشورهای غربزده سال به سال ازدواجها دیرتر و جداییها زودتر فرامی‌رسند.» [۴۱]. قرآن با ارائه‌ی زندگی خدیجه و فاطمه (س)، بهترین الگوی رفتاری را برای خوشبختی خانوادگی ارائه می‌دهد. [صفحه ۴۳]

خدیجه، همسر نیکوکار پیامبر

اشاره

وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا [۴۲]. (ای همسران پیامبر) اگر طالب خدا و رسول او و سرای آخرت هستید، مسلماً خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی مهیا کرده است. در میان همسران پیامبر اکرم (ص) خدیجه نمونه و الگوی بانوان نیکوکار بود. او زنی بود ثروتمند اما طالب خدا و پیامبر خدا و سرای آخرت. از این‌رو پیامبر را قبل از اینکه به پیغمبری و مقام و موقعیتی برسند به همسری برگزید در صورتی که پیامبر در آن هنگام تنگدست بودند و خدیجه قبل از هر کس به ایشان ایمان آورد و تمام دارایی خود را در راه اسلام خرج کرد، تا جایی که گفته می‌شود اسلام با مال خدیجه و شمشیر علی بن ابی‌طالب (ع) رونق گرفت و مفسران آیه‌ی «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» [۴۳]. [صفحه ۴۴] می‌نویسند خدا با مال خدیجه پیغمبر را غنی ساخت. [۴۴]. در روایات اهل سنت آمده که خدیجه «خیر النساء» است [۴۵] و پیامبر اکرم (ص) وی را به خانه‌ای از نی در بهشت بشارت دادند [۴۶] و مصداق وعده‌ی الهی در آیه‌ی فوق شد. بزرگترین پاداشی که خداوند به این بانوی

نیکوکار عنایت فرمود، اعطای دختری از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) به وی به نام فاطمه‌ی زهرا (س) بود. [صفحه ۴۶]

پرستاری پاره‌ی پیامبر از پیامبر در جبهه

در جنگ احد پیامبر اکرم (ص) مجروح شدند و خون از سر و صورت و دندان مبارک آن حضرت سرازیر گشت. فاطمه‌ی زهرا (س) این بانوی نیکوکار که به کار پرستاری مجروحان در پشت جبهه اشتغال داشت، خود را به پدر رساند. علی (ع) با ظرفی آب می‌آورد و فاطمه (س) صورت پیامبر را شستشو می‌داد، برای بند آوردن خون از تخم‌مرغ استفاده کرد و آب بر سر آن حضرت ریخت، اما خون بند نیامد. فاطمه (س) قطعه‌ی بوریایی را آتش زد تا به صورت خاکستر درآمد و آنگاه خاکستر را در محل ریزش خون قرار داد و خون بند آمد. [۴۷]. [صفحه ۴۷]

فاطمه و صفورا، نمونه‌ی حیا و حسن انتخاب همسر

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ... [۴۸]. یکی از آن دو زن که به آزرَم راه می‌رفت نزد او (موسی) آمد... صفورا دختر شعیب و همسر موسی نمونه‌ی و الگوی حیا و حسن انتخاب همسر بود. ولی با حالت آزرَم و حیایی که داشت پیش موسی آمد و اظهار داشت: پدرم تو را دعوت می‌کند تا پاداش آن آبیاری که برای ما کردی بپردازد. با اینکه موسی مردی تهیدست و فاقد خانه و کاشانه و شغل و مقام است اما معیار صفورا برای انتخاب مردم توانایی و امانت است. با آن حیایی که دارد اینچنین به پدر خود پیشنهاد می‌کند: [صفحه ۴۸] یا أَبْتَ اسْتَأْجِرُهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ [۴۹]. ای پدر، این مرد را به کار بگمار که بهترین کسی که باید به خدمت برگزید آن است که توانا و امین باشد. به دنبال این اظهار کمال از سوی صفورا، شعیب به موسی پیشنهاد ازدواج با دخترش را می‌کند: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَاجٍ... [۵۰]. من اراده‌ی آن دارم که یکی از دو دخترم را به نکاح تو درآورم بر این مهر که هشت سال مرا خدمت کنی... نتیجه‌ی حیا صفورا در دعوت مردی به نزد پدر و حسن معیارش در انتخاب مرد، به جایی می‌رسد که پیغمبری چون موسی حاضر می‌شود هشت سال برای خاندان شعیب خدمت کند: شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که هشت سال به جان خدمت شعیب کند (سعدی) حیا و آزرَم بخصوص برای بانوان از مهمترین صفات کمال و لازمه‌ی روح خداپرستی و ایمان است. دیده‌ی بی‌شرم پسندیده نیست در نظر عقل خود آن دیده نیست دل که پر از حلم و حیا می‌شود آینه‌ی نور خدا می‌شود فاطمه‌ی زهرا (س) از میان آن همه خواستگاران اعیان و اشراف، علی (ع) را برگزید که هیچ‌گونه ثروتی نداشت جز اینکه مانند حضرت موسی قوی و امین بود و همان‌طور که صفورا به پدرش شعیب اظهار داشت «بهترین کسی که [صفحه ۴۹] باید به خدمت برگزید آن است که قوی و امین باشد»، فاطمه‌ی زهرا (س) نیز در مورد علی (ع) به پدرش اظهار داشت: «یا أَبَتَ خَيْرَ زَوْجٍ». [۵۱] (علی بهترین همسر است). همچنین اگر صفورا در زمان حیات خود نمونه‌ی حیا بود، فاطمه‌ی زهرا (س) حتی برای بعد از مرگ خود نیز رعایت حیا را می‌کند و اظهار می‌دارد: إِنِّي قَدْ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُضَيِّعُ بِالنِّسَاءِ أَنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ فَيَصِفُهَا لِمَنْ رَأَى. فَلَا تَحْمِلْنِي عَلَى سِرِّيرِ ظَاهِرٍ، أَسْتَرْنِي سَتْرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ [۵۲]. چقدر زشت می‌دانم جنازه‌ای را که برای زنان می‌رساند و او را به روی تابوت سرباز می‌گذارند و به روی آن پارچه‌ای می‌افکنند که اندام زن را در معرض دید بینندگان قرار می‌دهد. مرا بر روی تابوت آنچنانی مگذار و اندام مرا بپوشان، که خدا تو را از آتش قیامت بپوشاند. [صفحه ۵۰]

فاطمه، نمونه صالحات

زن شایسته برای همسری بزرگان مهاجرین و انصار برای خواستگاری فاطمه (س) نزد پیامبر اکرم (ص) می‌آمدند و آن حضرت در

برابر هر کدام سکوت می کردند تا اینکه علی (ع) آمد و با مهریه ای کم با وی موافقت نمودند. پیامبر در این مورد به علی (ع) گفتند که اگر توان این مهریه را دارد چه بهتر، وگرنه آن را سبک تر بگیرد. لبخندی مسرت آمیز بر چهره ی علی (ع) نمایان گشت و به دنبال فراهم آورد مهریه روانه گشت. پیامبر اکرم (ص) جمعی از مهاجرین و انصار را دعوت کردند (و در خطبه ی عقد) گفتند: «خداوند ازدواج را سبب ملحق شدن افراد به یکدیگر قرار داده و فرموده [صفحه ۵۱] است: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ كَانَ رُبُّكَ قَدِيرًا [۵۳]. و هموست که از آب (نطفه ی مرد و زن) بشر را بیافرید و بین آنان خویشی و بستگی و ازدواج قرار داد، و پروردگارت بر هر چیز تواناست. بنابراین، امر خدایتعالی به قضایش و قضایش به قدرش جاری می شود و برای هر قدری اجلی و برای هر اجلی کتابی است: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ [۵۴]. خداوند آنچه را بخواهد محو یا ثابت می کند و نزد وی ام الكتاب است. آنگاه خداوند تعالی بفرمود که فاطمه (س) دختر خدیجه را به ازدواج علی بن ابی طالب (ع) درآورم. بنابراین شما شاهد باشید که من وی را در برابر ۴۰۰ مثقال نقره مهریه به ازدواج وی درآوردم.» سپس پیامبر (ص) فرش پشمی سفیدی به آن دو اهدا فرمودند و زنان انصار نیز هدایای خود را تقدیم داشتند و دو سرانداز زیبا برای عروس و مقداری عطریات و بعضی از زیورهای طلا و جواهر کمیاب را به وی عاریه دادند. پیامبر به همسران خود عایشه و ام سلمه دستور دادند فاطمه (س) را برای رفتن به خانه ی علی (ع) آماده کنند و به جای مادرش خدیجه رحمة الله باشند. و آن دو اتاق عروس را فرش و تزئین کردند و گوشه ای از اتاق را برای گذاشتن لباس و سایر وسایل آماده ساختند و اظهار داشتند: ما هیچ عروسی را بهتر از عروسی فاطمه ندیدیم. جهیزیه ی فاطمه ی زهرا (س) دختر پیامبر خدا (ص) عبارت بود از یک دست [صفحه ۵۲] رختخواب و دو بالش و یک فرش پشمی و پوستین گوسفندی که به صورت فرش درآمده بود و ظرفی که در آن روغن برای آشپزی بود و مشکی برای آب و یک کوزه ی گلی و یک لیوان آبخوری و مقداری کاسه. پیامبر (ص) فرمودند: ای علی، برای عروسی باید ولیمه داد. یکی از انصار اظهار داشت: من قوچی دارم، آن را برای دعوت دوستان تقدیم می دارم. علی (ع) جمعی از مهاجرین و انصار را دعوت کرد و بوی خوش و کشمش و خرما را حاضر ساخت و چون میهمانان شام خوردند و رفتند و کسی جز علی (ع) نماند، پیامبر خدا (ص) دختر خود فاطمه (س) را فراخواندند. بانوان نیز همه رفته بودند و تنها یک زن در کنار فاطمه (س) مانده بود. پیامبر (ص) از وی پرسیدند که چه عاملی باعث ماندنش در کنار فاطمه (س) شده است؟ او عرضه داشت: من کسی هستم که از دخترتان نگهبانی می کنم. دختران در شب زفاف نیاز به زنی از نزدیکان دارند که در صورت نیاز به آنها کمک کند. این زن اسماء بنت عمیس بود. پیغمبر به او فرمودند: من از خدا می خواهم که تو را از هر سو از شیطان نگهبانی کند. آنگاه عروس خانم آمد در حالی که زنان وی را با بوی خوش و زیور و لباس آراسته بودند. چون فاطمه (س) داماد را دید که در کنار پدر نشسته است، گریان شد! پیامبر (ص) از آن بیم داشتند که نکند سبب گریه ی وی این باشد که شوهرش جوانی بدون مال است و از این متأثر شده که او علی (ع) را بر بسیاری از ثروتمندان مهاجر و انصار برگزیده است هر چند که همگی همسن پدرش بودند، و علی (ع) از نظر سن از همه به وی نزدیکتر بود [۵۵]. پیامبر (ص) از فاطمه علت گریه اش را پرسیدند. فاطمه جواب نداد!... شاید به یاد مادرش سیده ی طاهره ام المؤمنین خدیجه افتاده بود و آرزو [صفحه ۵۴] می کرد ای کاش به جای اسماء بنت عمیس بود و به جای دو زن پدرش جهیزیه ی وی را مهیا می ساخت و شاید به خاطر جدایی از پدر بود که سیل آسا در سکوتی غمناک می گریست. پیامبر کوشیدند تا او را از گریه بازدارند اما نتیجه ای نداشت. برایش سوگند یاد کردند که از هیچ کوششی برای گزینش بهترین شوهر کوتاهی نکرده و بهترین جوانان بنی هاشم را برای وی انتخاب کرده اند و افزودند: سوگند به آن کس که جان من در دست اوست، شوهرت جوانی است که در دنیا سعادت مند و در آخرت از صالحان است. پیامبر از اسماء خواستند که ظرفی از آب گلاب بیاورد و آنگاه از آن به سر و صورت فاطمه (س) و علی (ع) پاشیدند و برای فاطمه چنین دعا کردند: اَللّٰهُمَّ اِنِّهَا مِنِّيْ وَ اِنِّيْ مِنْهَا. خداوندا، فاطمه از من است و من از اویم. اَللّٰهُمَّ كَمَا اَذْهَبْتَ عَنِّي الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَ نِيَّ فَطَهَّرْهَا. خداوندا، همچنانکه پلیدی را از من دور و مرا پاک ساخته ای، فاطمه

را پاک نگاهدار. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُعِیْذُهَا وَ ذُرِّیَّتَهَا بِكَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ. خدایا، من وی و ذریه‌اش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. سپس به همان صورت برای علی (ع) دعا کردند: اَللّٰهُمَّ هٰؤُلَاءِ هُمْ اَهْلُ بَیْتِیْ فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِیْرًا. خداوند، اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنان دور بدار و آنان را پاکیزه گردان. علی (ع) عرضه داشت: ای پیامبر خدا، مرا بیشتر دوست داری یا فاطمه را؟ [صفحه ۵۵] پیامبر (ص) فرمودند: او برای من محبوب‌تر و تو برایم عزیزتری. سپس این دعا را برای علی (ع) خواندند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُعِیْذُ بِكَ وَ ذُرِّیَّتَهُ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ. خدایا، من وی و نسلش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم. و آنگاه در حالی که آن دو را تنها می‌گذاشتند برایشان چنین دعا کردند: جَمَعَ اللّٰهُ شَمْلَکُمْ وَ اَسْعَدَ جِدَّکُمْ وَ بَارَكَ عَلَیْکُمْ وَ اَخْرَجَ مِنْکُمْ کَثِیْرًا طَیِّبًا [۵۶]. خداوند جدایی شما را به یگانگی تبدیل کند و کوشش شما را سعید گرداند و برکت خود را بر شما فرو فرستد و از شما دو تن افراد پاک طینت بسیار پدید آورد. [صفحه ۵۶]

مریم و فاطمه، نمونه‌ی تقوا و حافظات للغب

قَالَتْ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْکَ اِنْ کُنْتَ تَقِیًّا. [۵۷]. (مریم چون جبرئیل را به صورت انسانی دید) گفت اگر پرهیزگار هستی از توبه خدای رحمان پناه می‌برم. حضرت مریم در پنهان نمونه‌ی تقوا و حافظات للغب بود و چون چشمش به جبرئیل افتاد که به صورت انسانی بر وی ظاهر شد، به خدای رحمن پناه برد از اینکه در معصیتی افتد و او را به تقوا فرا خواند. فاطمه‌ی زهرا (س) نیز در غیاب شوهر اسوه و الگوی حافظات للغب بود، تا جایی که وقتی مرد نابینایی همراه پدرش به خانه‌اش آمد، بلافاصله خود را پوشاند. پیغمبر (ص) فرمودند: چطور در برابر وی خود را پوشاندی؟ او مردی [صفحه ۵۷] نابیناست. فاطمه (س) فرمود: اگر او مرد نمی‌بیند من که او را می‌بینم و ممکن است اگر در پشت پرده نباشم او بوی مرا بشنود. [صفحه ۵۸]

فاطمه، نمونه‌ی صائمات

یُوفُونَ بِالْذِّکْرِ وَ یَخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیْرًا [۵۸]. آن بندگان نیکو به نذر خود (سه روز روزه) وفا می‌کنند و از روزی که شرّ و سختی آن (همه‌ی اهل محشر را) فراگیر است می‌ترسند. ملاحسین کاشفی می‌گوید که جمهور مفسران شیعه و سنی این آیه را در مورد نذری می‌دانند که علی (ع) و فاطمه (س) برای شفای امام حسن و امام حسین علیهما السلام کردند و پس از بهبودی به نذر خود وفا نمودند و سه روز روزه گرفتند [۵۹] و افطاری خود را به مسکین دادند و با آب افطار کردند. سیرت فرزندانها از امّهات جوهر صدق و صفا از امّهات (اقبال لاهوری) [صفحه ۵۹]

فاطمه، نمونه‌ی متصدقات

وَ یُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حُبِّهِ مِسْکِیْنَ وَ یَتِیْمًا وَ اَسِیْرًا اِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِیْدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَ لَا شُکُورًا [۶۰]. و از روی محبت و علاقه، مسکین و یتیم و اسیر را اطعام می‌کنند. جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما نه پاداشی می‌خواهیم نه سپاسی. بنابر روایت تفسیر کشاف زمخشری و تفسیر ملاحسین کاشفی حنفی، اهل بیت نبوت خواستند افطار نمایند، مسکینی به در خانه آمد و آواز داد: یا اهل بیت نبوت، مسکینی‌ام از مسلمانان، مرا طعام دهید تا حق از موافقت بهشت شما را عوض دهد. اهل بیت نصیب خود را بدان مسکین دادند و به آب خالص روزه گشاده شب را گذرانیدند. دیگر روز روزه گرفتند و به وقت افطار یتیمی به در خانه آمد و سوال کرد و تمام طعام که بود ایتار فرمودند. شب سوم اسیری به سر وقت ایشان رسید، خوردنیها به وی دادند. حق سبحانه این آیت فرستاد که: «یُوفُونَ بِالْذِّکْرِ...». [صفحه ۶۰] صدقه و اطعام اهل بیت از چند جهت حایز اهمیت است: ۱. آنان چیزی برای افطار نداشتند، علی (ع) مقداری پشم از همسایه‌ی یهودی خود گرفت تا فاطمه‌ی زهرا (س) آن را در مقابل سه صاع جو

بریسد و فاطمه (س) هر شب مقداری از جوها را آسیا و خمیر کرد و با آن نان پخت و آنان چنین افطاری را که با زحمت بسیار فراهم کرده بودند صدقه دادند. [۶۱]. ۲. «عَلَى حُبِّهِ» یعنی انگیزه‌ی آنان در دادن صدقه، محبت و دوستی خدا و بندگان خدا بود و از این رو در راه دوست آنچه را که برایشان بسیار دوست داشتی بود تقدیم داشتند (وَأَنْفَقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ). ۳. به جای اینکه بر مسکین و یتیم و اسیر منت بگذارند و یا از آنها انتظار مزد و تشکر داشته باشند، اظهار داشتند: ما تنها برای طلب رضای خدا شما را اطعام می‌کنیم و از شما پاداش و تشکری نمی‌خواهیم. مزرع تسلیم را حاصل بتول مادران را اسوه‌ی کامل بتول بهر محتاجی دلش آن گونه ساخت با یهودی چادر خود را فروخت (اقبال لاهوری) [صفحه ۶۲]

فاطمه، نمونه‌ی صابرات

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا. و خداوند در برابر صبری که (خانواده‌ی فاطمه (س)) کردند بهشت و حریر پاداش داد. علی (ع) می‌فرمود: فاطمه‌ی زهرا یعنی عزیزترین عزیزان رسول خدا آنقدر از چاه آب کشید که اثر آن بر سینه‌اش باقی ماند و آنقدر با آسیا آرد کرد که دستهایش پینه بست و آنقدر به نظافت خانه و آشپزی پرداخت که به سختی و زحمت افتاد. [۶۲]. فاطمه‌ی زهرا (س) بعد از مرگ پدر، در برابر فراق جانسوز او و تقدم اصحاب بر علی (ع) و گرفتن فدک از وی صبری جمیل و آموزنده کرد و در برابر این صبر با شکوه، خداوند در آخرت بهشت و در دنیا کوثر و فزونی نسل و [صفحه ۶۳] فدکهای پهناور و بسیار در سراسر زمین به ذریه‌اش عطا فرمود که در دفتر ششم به تفصیل خواهد آمد. صبر چون جسر صراط آن سو بهشت هست با هر خوب یک لالایی زشت صبر مه را شب منور داردش صبر گل با خار ازفر داردش خانه در غم ساز و با محنت بساز می‌طلب در عمر خود مرگ دراز ظاهراً کار تو ویران می‌کنم لیک خارت را گلستان می‌کنم (مثنوی) [صفحه ۶۴]

فاطمه، نمونه‌ی ذاکرات

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا غَبُوسًا قَمَطَرِيًّا [۶۳]. ما می‌ترسیم از پروردگارمان در روزی که رویها ترش و در نهایت سختی است. اهل بیت عصمت همواره به یاد خدا و آخرت هستند و اظهار می‌دارند که از پروردگارمان در روزی که رویها ترش و در نهایت سختی است می‌ترسیم. در احادیث شیعه و سنی آمده است که فاطمه علیها السلام نزد پیامبر آمد و از آسیبی که به واسطه‌ی آسیا کردن بر دستش وارد آمده بود شکایت کرد و از وی خدمتکاری خواست. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: وقتی به رختخواب می‌روی، ۳۳ بار «سبحان الله» و ۳۳ بار «الحمد لله» و ۳۴ بار «الله اکبر» بگو و این برای [صفحه ۶۵] تو از هر خدمتکاری بهتر است. و فاطمه‌ی زهرا (س) از آن به بعد هیچگاه این ذکر را ترک نکرد تا جایی که به «تسبیح فاطمه» معروف شد. [۶۴]. آن ادب پرورده‌ی صبر و رضا آسیا گردان و لب قرآن سرا گریه‌های او ز بالین بی‌نیاز گوهر افشاندی به دامان نماز (اقبال لاهوری) فاطمه (س) همواره قرآن تلاوت می‌کرد و در نتیجه فرزندان و فضه خدمتکارش قرآن را حفظ می‌شدند. گفته می‌شود فضه آنچنان در کنار فاطمه با قرآن آشنا شد که هرگاه می‌خواست سخن بگوید سخن خود را با آیه‌ای از قرآن بیان می‌کرد. فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها می‌فرمود: حُبَّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. [۶۵]. از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن کتاب خدا، نظر به چهره‌ی پیامبر خدا، و انفاق در راه خدا. [صفحه ۶۷]

نزول سوره‌ی هل اتی در شأن فاطمه و علی

علامه آلوسی بغدادی پس از نقل سه روز روزه‌ی فاطمه (س) و امام علی و حسنین علیهم السلام و دادن افطاری خود به یتیم و اسیر و مسکین و اطعام آنها، می‌افزاید: چون پیغمبر اکرم (ص) از جریان باخبر شدند به منزل فاطمه رضی الله تعالی عنها آمدند و او را در

محرابش مشاهده کردند در حالی که از شدت گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده و چشمانش گود افتاده بود. پیامبر اکرم (ص) دلش سوخت و ناراحت شد. در این هنگام جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: این را بگیر ای محمد. گوارا باد که درباره‌ی اهل بیت توست. پیغمبر (ص) فرمودند: چه چیز را بگیرم ای جبرئیل؟ جبرئیل سوره‌ی «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» را [صفحه ۶۸] سوره‌ی الْإِنْسَان بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينَ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً (۱) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً (۳) إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَ سِيَجِراً (۴) إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً (۶) يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْماً كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً (۷) وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا تا آخر سوره در شأن فاطمه (س) و اهل بیت قرائت کرد. آلوسی بعد از نقل روایات بسیاری از اهل سنت در تأیید نزول این سوره در مورد خانواده‌ی فاطمه (س)، تشکیک برخی از متعصبان را رد می‌کند و می‌نویسد: احتمال اصل نزول سوره‌ی «هل اتی» در مورد علی کرم الله وجهه و فاطمه رضی الله عنه برقرار است و نفی آن معلوم نیست. البته همان‌طور که طبرسی شیعی در مجمع البیان ذکر کرده بنابر قول به نزول این سوره در مورد این خانواده، حکم آن مخصوص و منحصر آنها نیست بلکه شامل هر کسی است که چنین کند. و بر فرض که سوره‌ی «هل اتی» درباره‌ی علی (ع) و فاطمه (س) نازل نشده باشد، [صفحه ۶۹] چیزی از قدر و منزلت آنها نمی‌کاهد، زیرا دخول آن در ابرار امری آشکار بلکه به طریق اولی است و در مورد این دو کسی چیزی نمی‌تواند بگوید جز اینکه: إِنَّ عَلِيّاً مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيَّ النَّبِيِّ وَ فَاطِمَةُ الْبُضْعَةُ الْأَخْمَدِيَّةُ وَ الْجُزْءُ الْمُحَمَّدِي وَ أَمَّا الْحَسَنَانِ فَالرُّوحُ وَ الرِّيحَانِ وَ سَيِّدَا شَبَابِ الْجَنَانِ. [۶۶]. علی مولای مؤمنان و وصی پیامبر و فاطمه‌ی پاره‌ی تن احمدی و جزء محمدی است و حسن و حسین روح و ریحان و دو سید جوانان بهشتند. [صفحه ۷۳]

پاورقی

- [۱] کشف الغمّه‌ی اربلی، ج ۱، ص ۴۴۹. [۲] روضه الشهداء ملاحسین کاشفی، صص ۱۱۷-۱۱۸. [۳] احزاب / ۲۱. [۴] ممتحنه / ۴.
- [۵] امام خمینی: ۲۶ / ۲ / ۵۸، صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۶] صحیح بخاری، ک ۶۲، ب ۱۲ و ۱۶ و ۲۹؛ صحیح مسلم، ک ۴۴، ح ۹۳ و ۹۴ و ۹۶؛ سنن ترمذی، ک ۴۶، ب ۶۰؛ مسند احمد بن حنبل، جل ۴، صص ۵ و ۳۲۳ و ۳۲۶ و ۳۲۸ و ۳۳۲؛ فضائل الصحابه، صص ۱۲ و ۱۶ و ۲۹، نکاح ۱۰۹؛ سنن ابن ماجه، نکاح ۵۶. [۷] سیری در نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری، صص ۳۸-۳۹.
- [۸] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی؛ تصحیح شعرانی، ج ۹، ص ۱۵۵. [۹] اعراف / ۲۳. [۱۰] سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۵۸ در الزینه؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۸؛ مسند ابوداود الطیالسی، ج ۲، ص ۳۵۴؛ المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.
- ذهبی و حافظ المنذری نیز این روایت را صحیح دانسته‌اند. رجوع شود به الترغیب و الترهیب، ج ۱، ص ۵۵۷ «و علّموا اولادکم محبّه آل بیت النبی»؛ جدّه دارالقبلة، دکتر محمد عبده یمانی، ۴۱۱۲ هـ. ص ۹۶. [۱۱] کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۴۵۶. [۱۲] توبه / ۱۱۲. [۱۳] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۴] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۱۸. [۱۵] المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶. [۱۶] مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۲۴؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۳۹۰. [۱۷] عنکبوت / ۲۶. [۱۸] تحریر الوسیله‌ی امام خمینی، ج ۱، ص ۴۳۳. [۱۹] السیره‌ی ابن هشام، ج ۴، ص ۲۹. [۲۰] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱. [۲۱] زندگانی فاطمه‌ی زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۲] زندگانی فاطمه‌ی زهرا (س)، دکتر سید جعفر شهیدی، صص ۴۲ و ۴۳. [۲۳] تهذیب شیخ طوسی، چاپ بیروت، ج ۵، ص ۴۵۶. [۲۴] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۵۰ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱۹۲ و ۱۹۳. درباره‌ی مهاجرتها و سفرهای فاطمه (س) رجوع شود به کتاب اهل بیت نوشته‌ی بنت الشاطی. [۲۵] طه / ۳۸ و ۳۹. [۲۶] طه / ۴۰. [۲۷] صحیح مسلم، ج ۱۶، ص ۵، باب فضائل فاطمه رضی الله عنها. [۲۸] کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۵. [۲۹] طه / ۴۰. [۳۰] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۴. [۳۱] رجوع شود به کتاب روضه الشهداء، ملاحسین کاشفی، ص ۱۲۸. [۳۲]

تحریم / ۱۱. [۳۳] روضه الشهداء، تهران، اسلامیه، صص ۱۲۳-۱۲۷. [۳۴] انبیاء / ۹۰. [۳۵] آل عمران / ۳۵. [۳۶] آل عمران / ۳۷. [۳۷] آل عمران / ۳۷. [۳۸] دهر / ۷. [۳۹] فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۸. [۴۰] بقره / ۱۸۷. [۴۱] لذات فلسفه، ترجمه‌ی دکتر عباس زریاب خوئی، تهران ۱۳۷۰، صص ۱۶۷-۱۷۰. [۴۲] احزاب / ۲۹. [۴۳] ضحی / ۸. [۴۴] تفسیر مواهب علیه (حسینی)، یک جلدی، چاپ لاهور، ص ۱۳۷۵. [۴۵] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۱۰؛ صحیح مسلم، کتاب ۴۴، باب ۶۹؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۸۴ و ۱۱۶ و ۱۳۲ و ۱۴۳. [۴۶] صحیح بخاری، کتاب ۶۳، باب ۲۰ و کتاب ۷۸ باب ۲۳ و کتاب ۹۷ بابهای ۳۲ و ۳۵؛ سنن ترمذی، کتاب ۴۶، باب ۶۱؛ مسند احمد بن حنبل، اول، صص ۲۰۵ و ۳۱۶. [۴۷] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۰؛ صحیح بخاری ۴ / ۷۲ و ۵۶ / ۸۹ و ۱۶۳ و ۲۴ / ۶۴ و ۶۷ / ۱۲۳ و ۷۶ / ۲۷؛ صحیح مسلم، ۳۲ / ۱۰۱؛ سنن ترمذی، ۲۶ / ۳۴؛ مسند احمد بن حنبل، ۵ / ۳۳۰ و ۳۳۴. [۴۸] قصص / ۲۵. [۴۹] قصص / ۲۶. [۵۰] قصص / ۲۶. [۵۱] کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ المراجعات، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲. [۵۲] کشف الغمّهی اربلی، ج ۲، ص ۶۷؛ التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۹؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۸؛ کنز العمال، ج ۲۸۹ و ۱۶؛ حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳ و... [۵۳] فرقان / ۵۴. [۵۴] رعد / ۳۹. [۵۵] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علامه‌ی محقق اربلی، ج ۱، ص ۳۵۱. [۵۶] کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۵۲. [۵۷] مریم / ۱۸. [۵۸] دهر / ۷. [۵۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، یک جلدی، چاپ پاکستان، ص ۱۳۳۰ و تفسیر روح المعانی آلوسی، ج ۲۹، ص ۱۵۷. [۶۰] دهر / ۸ و ۹. [۶۱] علی امام المتقین، عبدالرحمن الشراقوی، ج ۱، ص ۳۷. [۶۲] علل الشرایع، ص ۳۶۱. [۶۳] دهر / ۱۰. [۶۴] صحیح بخاری، ۶۹ / ۶ و ۷ و ۸۰ / ۱۱؛ صحیح مسلم ۴۴ / ۹۷ و ۹۹؛ جامع ترمذی، ۴۵ / ۶۷؛ طبقات ابن سعد، ۸ / ۱۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۰، ۹۵، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۳ و ج ۳، ص ۱۵۰ و ج ۶، ص ۲۹۸؛ مسند طرابلسی، حدیث ۹۳؛ علل الشرایع صدوق، ص ۳۶۶. [۶۵] وقایع الایام، کتاب الصیام، ص ۲۹۵. [۶۶] تفسیر روح المعانی، ج ۲۹، صص ۱۵۷ و ۱۵۸. [۶۷] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲ و ج ۱۰۰، ص ۲۵۰؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۳۸۱؛ مقتل خوارزمی ص ۶۲. [۶۸] حجر / ۵۱. [۶۹] هود / ۷۱. [۷۰] هود / ۶۹. [۷۱] هود / ۷۱. [۷۲] مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۹؛ جامع ترمذی، ص ۳۴۰۹، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی طبرسی، صص ۵۱. [۷۳] امالی طوسی، ص ۱۹۰، وسائل الشیعہ، ج ۶، ص ۳۲۳. [۷۴] نفائس اللباب، ج ۳، ص ۱۲۴؛ وسائل الشیعہ، ج ۱۶، ص ۵۳۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۸۳. [۷۵] مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵. [۷۶] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵ و ۱۳۴؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۰۷؛ مسند احمد بن حنبل ج ۶، ص ۲۹۸. [۷۷] مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶. [۷۸] بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳. [۷۹] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴. [۸۰] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۵. [۸۱] صحیح بخاری، ج ۶۹، صص ۶ و ۷ و ج ۸، ص ۱۱؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۷-۹۹. [۸۲] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۳. [۸۳] کشف الغمّه، ج ۲، ص ۶۲. [۸۴] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۹۵ و ۱۱۴. [۸۵] اعراف / ۳۱. [۸۶] العروۃ الوثقی، صص ۲۰۱-۲۰۳. [۸۷] تحریر الوسیلهی امام خمینی، ج ۲، ص ۳۰۵. [۸۸] رساله‌ی نوین امام خمینی، ج ۳، ص ۱۱۲. [۸۹] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۰ و ج ۴۳، ص ۳۰۹. [۹۰] کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۲. [۹۱] بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷. [۹۲] زخرف / ۸۹. [۹۳] زمر / ۳۷. [۹۴] اعراف / ۳۰. [۹۵] فصلت / ۴۴. [۹۶] آل عمران / ۹۷. [۹۷] ق / ۳۸. [۹۸] انبیاء / ۸. [۹۹] بقره / ۲۸۶. [۱۰۰] انبیاء / ۲۲. [۱۰۱] زخرف / ۱۲. [۱۰۲] ص / ۲۵. [۱۰۳] آل عمران / ۱۴۴. [۱۰۴] مریم / ۱۳. [۱۰۵] طه / ۱۱ و ۱۳. [۱۰۶] کهف / ۴۶. [۱۰۷] قصص / ۲۶. [۱۰۸] بقره / ۲۶۱. [۱۰۹] بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۶ و ۸۷. [۱۱۰] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۱۱] بحار الانوار، ج ۲، ص ۸. [۱۱۲] بحار الانوار، ج ۲، ص ۳. [۱۱۳] ابن منظور: لسان العرب، چاپ دار احیاء التراث، ۱۴۰۸ ه، ج ۳، ص ۲۷۰. [۱۱۴] جمعه / ۲. [۱۱۵] مثنوی مولوی، دفتر اول، ۲۰۴۶-۲۰۶۵. [۱۱۶] زمر / ۲۳. [۱۱۷] سید قطب: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۸۲. [۱۱۸] وسائل الشیعہ، ج ۴، ص ۸۴۹. [۱۱۹] این خطبه در منابع بسیار از کتب شیعه و سنی آمده است از جمله: الشافی سیدمرتضی، ص ۲۳۱؛ کشف الغمّهی اربلی، ج ۲، صص ۴۰-۵۲؛ شرح نهج البلاغه‌ی ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ تفسیر

کشاف، ج ۱، در تفسیر آیهی «ذی القربی»؛ سیره‌ی حلبی، ج ۳، ص ۳۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲؛ عقد الفرید، ج ۲، ص ۶: مسند احمد، ج ۱، ص ۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۲؛ اسد الغابه‌ی ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۱۳ و ۱۴. [۱۲۰]

آل عمران/ ۴۲. [۱۲۱] اشقیای نبی، ۸: ۳. [۱۲۲] سفر خروج، ۱۵: ۲۰. [۱۲۳] سفر داوران، ۵: ۱. [۱۲۴] کتاب اول سموئیل نبی، ۲: ۱. [۱۲۵] کتاب پادشاهان، ۲۲: ۱۴. [۱۲۶] کتاب لوقا، ۲: ۳۶. [۱۲۷] کتاب اشعیای نبی، ۲۱: ۹. [۱۲۸] سفر خروج، ۷: ۱. [۱۲۹] قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۳. [۱۳۰] آلوسی بغدادی: تفسیر روح المعانی، ج ۳، صص ۱۵۴-۱۵۶. [۱۳۱] ۲۶/ ۲/ ۵۸، به نقل از صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۸۵. [۱۳۲] تحریم/ ۱۲. [۱۳۳] مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۴۲۸. [۱۳۴] تحریم/ ۱۲. [۱۳۵] رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۵؛ سفر الفردوس دیلمی، حدیث ۸۶۵۳؛ سیده‌ی نساء اهل الجنة، فاطمه‌ی الزهراء، علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المنادی، ریاض، مکتبه‌ی الساعی، ص ۶۸. [۱۳۶] مائده/ ۷۵. [۱۳۷] المستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۶۰-۱۶۱. این روایت را ذهبی روایت صحیح خوانده و با آن موافقت کرده است. [۱۳۸] مریم/ ۱۷-۱۹. [۱۳۹] اصول کافی، ج ۲، صص ۴۷۴ و ۴۷۵. [۱۴۰] از سخنان امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۱/ ۱۲/ ۶۴. [۱۴۱] تفسیر روح المعانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۳، ص ۱۵۵. [۱۴۲] سنن ابی داود، ک ۴۰، باب ۱۴۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۶۴ و ۱۹۷. [۱۴۳] علل الشرایع صدوق، ص ۱۷۹. [۱۴۴] رجوع شود به تاریخ کبیر ابن عساکر، ج ۱، ص ۳۹۱ و تاریخ بغداد حافظ ابوبکر شافعی، ج ۱۳، ص ۳۳۱ و ینابیع الموده‌ی قندوزی، ص ۲۶۰. [۱۴۵] ابن عربی سنّی (متوفای ۵۶۰) در الفتوحات المکیه فاطمه (س) و سایر اهل بیت را مطهر و معصوم به نص می‌داند و از پیغمبر نقل می‌کند که در وجه تسمیه‌ی آن حضرت به فاطمه فرمودند: انّ الله قد فطمها و ذرّيتها من النار يوم القيامة (خداوند زهرا و ذریه‌اش را از آتش روز قیامت باز داشته است) (به نقل از کتاب الامام جعفر الصادق تألیف عبدالحلیم الجندی، چاپ قاهره، ۱۳۹۷ هـ، ص ۷۲. [۱۴۶] رجوع شود به تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۹، ص ۱۵۲. در کتاب علی امام المتقین (ج ۱، ص ۲۲) آمده وقتی آیه‌ی تطهیر نازل شد، پیغمبر اکرم علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند، بُرد خود را به روی آنان افکند و فرمود: پروردگارا، اینان اهل بیت منند. [۱۴۷] حدیث از بخاری ج ۷۹؛ ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴۴، صص ۹۸ و ۹۹؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۴۰ و ج ۸، ص ۱۷؛ اعلام النساء عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۲۵ و ۲۶؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۳۵؛ علی امام المتقین، ج ۱، ص ۳۶. همچنین رجوع شود به جمع الجوامع، ج ۱، ص ۹۷۴ و کتاب سیده‌ی نساء اهل الجنة علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المناوی (متوفای ۹۵۲ هـ- ۱۰۳۶ هـ) چاپ مکتبه‌ی ریاض، ص ۶۶. [۱۴۸] آل عمران/ ۶۱. [۱۴۹] تفسیر مواهب علیه یا تفسیر حسینی، ج ۱، ص ۱۵۳. [۱۵۰] رجوع شود به ذیل فصّ شیتی در مباحث ولایت اثر عارف ربّانی آقا محمدرضا قمشه‌ای صهبا، چاپ ۱۳۵۹. [۱۵۱] از آیه‌الله محمدحسین غروی (کمپانی). [۱۵۲] روضه الشهداء، صص ۱۳۵-۱۳۷. [۱۵۳] علامه سیدمرتضی عسکری: معالم المدرستین، ج ۱، صص ۱۲۴-۱۳۰. [۱۵۴] علامه سیدمرتضی عسکری: نقش ائمه در احیای دین، ج ۱۴، ص ۳۱. [۱۵۵] معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۳۰. [۱۵۶] شاید بعضی نتوانند به این سادگی این سخن را بپذیرند که مسلمانان با آن همه علاقه‌ای که به پیامبر اسلام داشتند به کلی آن همه احادیث را کنار بزنند. مگر اینها نبودند که در راه اسلام و پیشرفت این آیین آن همه فداکاری نمودند؟ چطور می‌توان باور کرد که بعد از پیغمبر اکرم (ص) گفته‌های او را اینچنین نادیده بگیرند؟ اتفاقاً این ایراد را بعضی از دانشمندان اهل سنت در کتابهای خود بر ما گرفته‌اند. ولی باید توجه داشت که اگر وضع آن زمان و آن محیط و طرز تفکر مردم آن عصر را در نظر بگیریم زیاد تعجب نخواهیم کرد، زیرا آنچه از مطالعه‌ی تاریخ اسلام به دست می‌آید این است که همه‌ی صحابه و یاران پیغمبر اکرم (ص) از آن دریچه‌ای که ما به پیغمبر اکرم (ص) نگاه می‌کنیم نگاه نمی‌کردند. ما او را فرستاده‌ی خدا می‌دانیم که هر چه می‌گوید وحی آسمانی است و غیرقابل تغییر، ولی در میان صحابه کسانی بودند که در برابر دستورها و سخنان پیغمبر (ص) از خود اظهار عقیده می‌کردند؛ یعنی عملاً خود را «مجتهد» می‌دانستند و عقیده داشتند با تغییر مقتضیات، مانعی ندارد که پاره‌ای از احکام اسلام را تغییر داد (آیه‌الله کاشف الغطاء:

این است آیین ما، ص ۱۸۲. [۱۵۷] این است آیین ما، ترجمه و نگارش آیة الله ناصر مکارم شیرازی، تهران، كانون انتشار، ۱۳۴۶، صص ۱۸۶-۱۸۷. [۱۵۸] معجم البلدان، ماده‌ی فذک. [۱۵۹] دُرّ المنثور سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷. [۱۶۰] اسراء/ ۲۶. [۱۶۱] نمل/ ۱۶. [۱۶۲] مریم/ ۵. [۱۶۳] عبدالرحمن الشرقاوی: علی امام المتقین، ج ۱، صص ۶۹-۷۰. [۱۶۴] شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۸. [۱۶۵] کشف الغمّهی اربلی، ج ۱، ص ۴۸۸. [۱۶۶] نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵. [۱۶۷] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۸؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ عوالم بحرانی، ص ۴۱۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۰۸. [۱۶۸] کشف الغمّهی اربلی، ج ۱، ص ۴۹۲. [۱۶۹] این روایت را، هم صدوق (ابن بابویه) به طور مرفوع نقل کرده است و هم احمد بن حنبل، و این مانع از غسل آن حضرت بعد از رحلت نیست که مرحوم اربلی در کشف الغمّه (ج ۱، ص ۵۰۲) از آن تعجب کرده است. [۱۷۰] اقتباس از روضه الشهداء ملاحسین وعظ کاشفی، صص ۱۳۷-۱۴۴. [۱۷۱] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۲] علامه محمد عبدالرؤف بن علی بن زین العابدین المناوی: سیده نساء اهل الجنّه، مکتبه القرآن، ص ۹۴. [۱۷۳] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۴. [۱۷۴] کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳. [۱۷۵] اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۹. [۱۷۶] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴ به نقل از کتاب اخبار الخلفاء. [۱۷۷] دائرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۱۷۱۵. [۱۷۸] دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۱، صص ۱۶-۱۷. [۱۷۹] السیاحه فی الیمن، ص ۵۰. [۱۸۰] محمد کاظم محمدی: سیمای پاکستان، صص ۳۵-۳۸. [۱۸۱] توماس آرنولد: تاریخ گسترش اسلام، ص ۲۱۲. [۱۸۲] مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۳، صص ۱۸۲-۱۸۵. [۱۸۳] رجوع شود به سید محسن امین: دائرة المعارف شیعه و استاد محمدجواد مغنیه: الشیعه فی المیزان، ص ۱۹۶. [۱۸۴] اسامی سادات مهاجران به سمرقند را به تفصیل در کتاب مهاجران آل ابوطالب ص ۲۵۹-۲۶۱ مطالعه کنید. [۱۸۵] مضمون نامه‌ی امام علی (ع) چنین بود: «فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نیست بلکه امانتی است در گردن تو و تو نیز باید مطیع مافوق باشی. درباره‌ی رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی. در مورد بیت المال به هیچ کاری جز با احتیاط اقدام مکن. اموال خدا در اختیار توست و تو یکی از خزانه داران او هستی که باید آن را به دست من بسیاری و امید است که من رئیس بدی برای تو نباشم. والسلام» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵). [۱۸۶] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱، ص ۱۳. [۱۸۷] اسکندر دارم: یک میلیارد مسلمان، ج ۱: ص ۱۱. [۱۸۸] اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، ص ۱۵۰ و اسلام در شوروی، ص ۸۶. [۱۸۹] عباس کیهان‌فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان‌نشین آذربایجان»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۱ ص ۸۹. [۱۹۰] عباس کیهان‌فر: «نگاهی به جمهوری مسلمان‌نشین آذربایجان»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۹۵ ص ۹۶. [۱۹۱] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۴. [۱۹۲] آیة الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله‌ی مشکوه، شماره‌ی ۴۳، ص ۱۶. [۱۹۳] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۸۹. [۱۹۴] مجله‌ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۵] مجله‌ی مشکوه، ش ۴۳، ص ۲۷. [۱۹۶] ابواسحق ابراهیم اصطخری: مسالک والممالک، ص ۸. [۱۹۷] دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۰. [۱۹۸] محمدجواد مغنیه: الشیعه فی المیزان، ص ۱۲۱. [۱۹۹] آیة الله واعظ زاده: «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله‌ی مشکوه، ج ۴۳، ص ۲۷. [۲۰۰] به نقل از کتاب علّموا اولادکم محبه آل بیت النبّی (ص) دکتر محمد عبده یمانی، چاپ جده، ج ۷، صص ۳۶ و ۳۷. [۲۰۱] التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۴. [۲۰۲] مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۵۲. [۲۰۳] سید محمد کاظم قزوینی: فاطمه الزهراء، صص ۷۷-۷۸. [۲۰۴] ملاحسین کاشفی: تفسیر حسینی، یک جلدی، ص ۱۳۸۹.